



شکیل اُنیل



سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

یادداشت

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

لایبرک، الین

Labrecque, Ellen

شکیل انیل/الین لایبرک؛ تصویرگر مانوئل گوتی یرس؛ ویراستار سیدرضا کروی.

مترجم محمدرضا افضل.

تهران: شرکت انتشارات فنی ایران، کتاب‌های نردبان، ۱۴۰۲.

۱۱۶ص: مصور.

کی؟ چی؟ کجا؟: ۲۵۷۵.

1-213-344-622-978

عنوان اصلی: Who is Shaquille O'Neal?, 2022.

بسکتبالیست‌ها -- ایالات متحده -- سرگذشتنامه -- ادبیات کودکان و نوجوانان

افضل، محمدرضا، ۱۳۳۱ مرداد - مترجم

GV۸۸۴

۹۲/۳۳۳/۷۹۶ [ج]

۹۴۷۴۴۶



شرکت  
انتشارات  
فنی ایران

شکیل انیل

نردبان بنفش - عمومی | کی؟ چی؟ کجا؟ | کد کتاب ۲۵۷۵

نویسنده الین لایبرک Ellen Labrecque

تصویرگر مانوئل گوتی یرس Manuel Gutierrez

مترجم محمدرضا افضل

ویراستار سیدرضا کروی

مدیر هنری کیانوش غریب پور

صفحه آرا الناز حکم آبادی

طراحی جلد مهسا فرهنگ‌نیا / حامد زاهد

چاپ اول ۱۴۰۴ | ۲۰۰۰ نسخه | چاپ خوارزم

حقوق چاپ و نشر این اثر متعلق به شرکت انتشارات فنی ایران است.

میرعماد، شماره ۲۴، تهران ۱۵۸۷۷۳۶۵۱۱ ☎ ۰۲۱-۵۴۹۵۹، ۸۸۵۰۵۰۵۵

entesharat.com ✉ info@entesharat.com

nardebanbooks 📍 @nardebanbooks

کاغذ این کتاب از جنگل‌های  
صنعتی مدیریت شده  
تهیه شده است.



# شکیل انیل

این لابرک

تصویرگر: مانوئل گوتی پیرس

مترجم: محمدرضا افضلی



entesharat.com

## فهرست

فصل ۱  
بچه ارتش | ۱۱



فصل ۲  
آلمان | ۱۹



فصل ۳  
ستاره ایالت | ۲۳



فصل ۴  
سال‌های تایگر | ۳۰



فصل ۵  
مرد جادویی | ۴۱



فصل ۶  
سویرمن | ۵۳



فصل ۷  
به غرب برو، مرد جوان | ۶۲



فصل ۸  
قهرمان | ۶۷



فصل ۹  
دو بار دیگر | ۷۸



فصل ۱۰  
معامله منصفانه | ۸۴



فصل ۱۱  
انگشتر چهارم | ۹۰



فصل ۱۲  
انتقال، بدون تأسف | ۹۷



اسکن کنید، بیشتر بدانید! | ۱۱۰

سیر تاریخی زندگی شکیل انیل | ۱۱۲

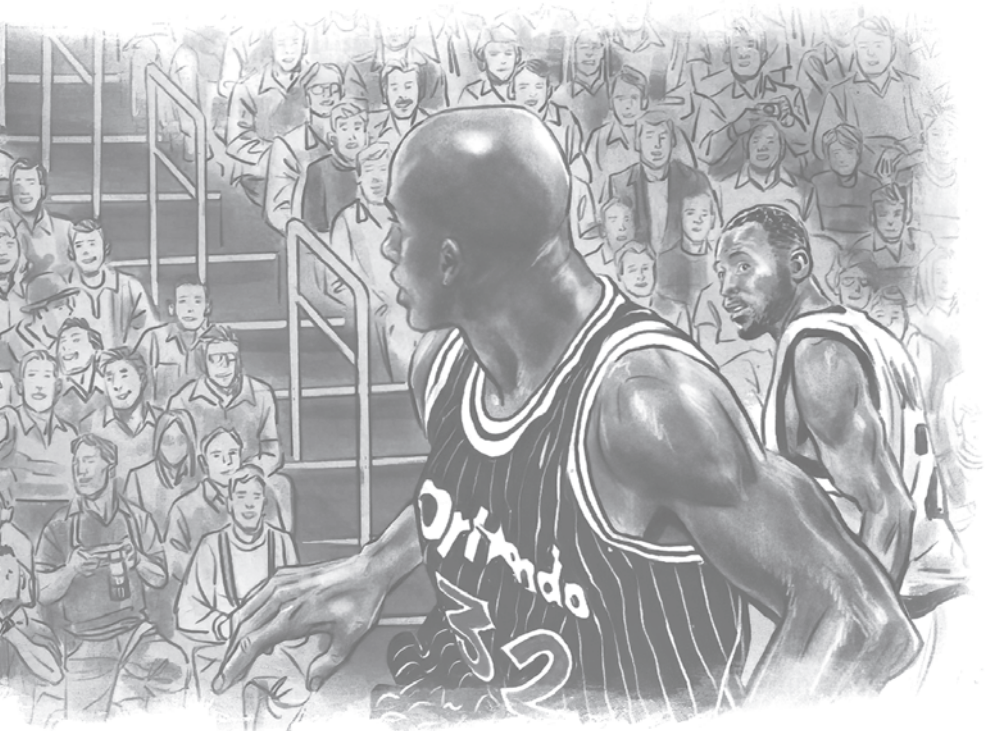
سیر تاریخی جهان | ۱۱۳



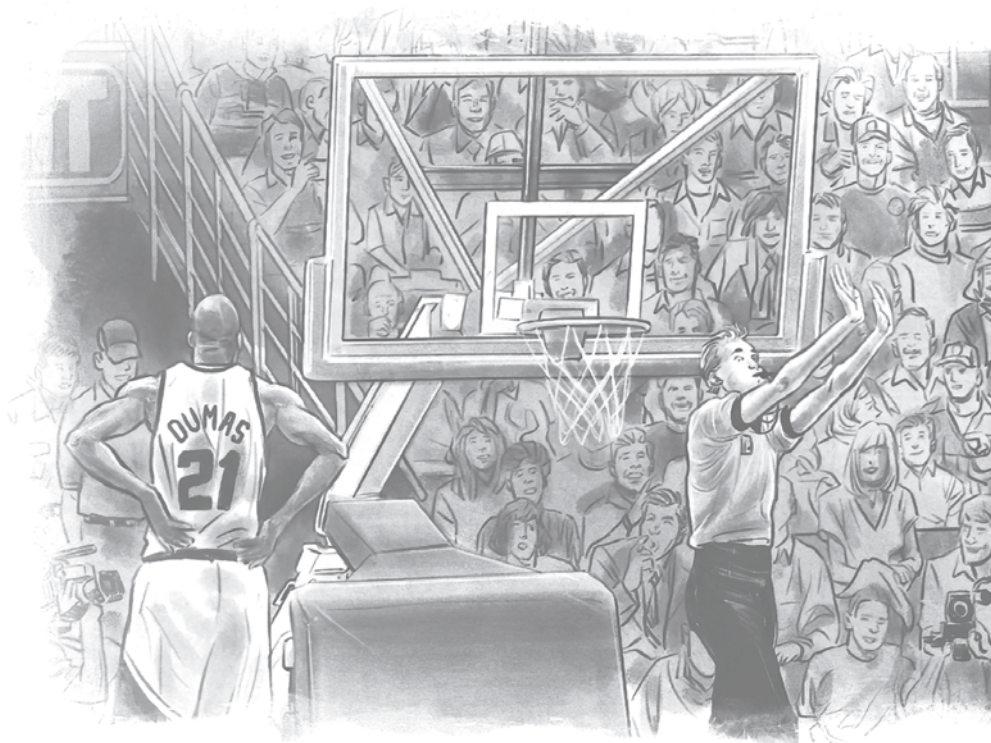
۷ فوریه سال ۱۹۹۳ بود و تیم اورلاندو مَچیک، در مسابقات اتحادیه ملی بسکتبال یا این بی‌ای (NBA) در برابر تیم فینیکس سانز بازی می‌کرد. این بی‌ای لیگ حرفه‌ای بسکتبال مردان است که در آمریکای شمالی برگزار می‌شود. چهارمین فصلی بود که اورلاندو مَچیک در این بی‌ای بازی می‌کرد. بازی، برای نخستین بار در تاریخ لیگ، به طور زنده از تلویزیون ملی پخش می‌شد و بیش از نوزده هزار نفر هم بلیت خریده بودند و در ورزشگاه تیم سانز بازی را از نزدیک تماشا می‌کردند. همه روی شکل اُنیل تازه‌وارد تمرکز کرده بودند؛ مهاجم نوک یا بازیکن سانتر تیم مَچیک که ۲۱۲/۵ سانتی‌متر قد، و ۱۳۶ کیلوگرم وزن داشت. شکل مثل بولدوزر بسکتبال بازی می‌کرد. او در مسابقه‌ای که غول‌های بسکتبال در آن شرکت داشتند، قد بلندتر و قوی‌تر از رقبای خود بود. مدافعانی که راه او را می‌بستند، کف سالن ولو می‌شدند یا از ردیف سوم و بین تماشاگران سر درمی‌آوردند!

حکیم اولاجوئان، یکی دیگر از سانترهای دو متر و ده سانتی متری آن بی‌ای می‌گفت: «وقتی زیر حلقه صاحب توپ می‌شود، دعای منم آن را از دست بدهد. شکیل خیلی بزرگ است و نمی‌توان جلو او را گرفت.»

در مسابقه برابر سانز، شکیل هواداران خود را نومید نکرد. کمتر از سه دقیقه از شروع بازی گذشته بود که شکیل به شکلی توفانی حلقه را با دست گرفت و توپ را وارد سبد کرد؛ در بسکتبال این



حرکت را «اسلم دانک» می نامند. حرکت او فقط باعث پایین آمدن حلقه و تخته نشد؛ کل سازه سبد را پایین کشید - حلقه، تور، و تخته‌ای به ابعاد  $1/8$  در  $0/9$  متر، و میله و ستون‌هایی که تخته و حلقه به آن‌ها متصل بودند، از جا کنده شدند. بازیکنان هریک به سمتی فرار کردند تا آسیب نبینند. هیچ‌کس در عمر خود چنین چیزی ندیده بود. هیچ بازیکنی قدرت و توان انجام کاری شبیه آن را نداشت.



بازی به مدت سی و هفت دقیقه متوقف شد تا کارگران یک تخته جایگزین را به زمین بازی آوردند و نصب کردند. شکیل گوشه‌ای ایستاده بود و لبخندی بر لب داشت؛ لبخند بزرگی با قدرت ۱۰۰۰ وات. او یک بازیکن جدی بسکتبال است، اما می‌داند چگونه در جریان بازی، تفریح هم بکند.

او بعدتر در مورد این گل قدرتی خود گفت «کمی تعجب کردم، اما وقتی دیدم همه چیز دارد پایین می‌آید، من هم به سمت مخالف دویدم.»

شکیل در این بازی بیست امتیاز کسب کرد، اما مجیک بازی را با نتیجه ۲۱-۱۰۵ باخت. این نتیجه واقعاً مهم نبود. اسلم دانک قدرتمندانه‌اش از ظهور شکیل اُنیل بیست ساله، سوپرمنی در پیراهن بسکتبال، خبر می‌داد. او ستاره‌ای بی نظیر بود.

## فصل ۱

### بچه ارتش

شکیل راشائون اُنیل در ۶ مارس سال ۱۹۷۲ در نیوآرک، در ایالت نیوجرسی، به دنیا آمد. (وقتی بزرگ تر شد، دوستان و افراد خانواده او را «شک» صدا می زدند.)



لوسییل اُنیل و شکیل نوزاد

وزن شکیل در هنگام تولد حدود ۳/۵ کیلوگرم بود که برای نوزاد، معمولی به شمار می رفت. قد مادر شکیل، که لوسییل اُنیل نام داشت، ۱۸۵ سانتی متر بود. لوسییل هجده ساله بود که شکیل را به دنیا آورد. پدر شکیل، که جوزف تونی نام داشت، دو سالی از لوسییل بزرگ تر بود؛ قد او ۲/۵ سانتی متر از قد همسرش کوتاه تر بود. هنگامی که شکیل شش ماهه

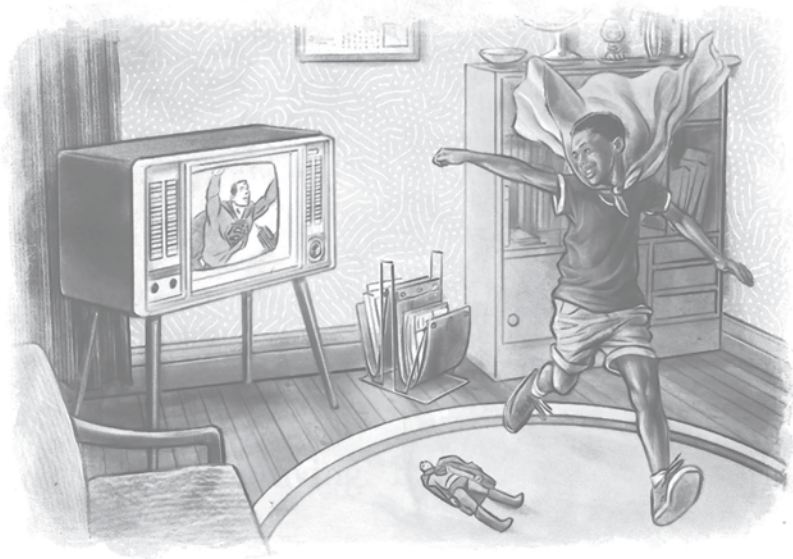
شد، پدرش آن‌ها را ترک کرد؛ بعدتر به کارهای خلاف پرداخت و از زندان سر درآورد. ابتدا لوسییل به کمک سایر زنان خانواده، شکیل را بزرگ کرد. اما هنگامی که شکیل دوساله شد، لوسییل با فیلیپ هریسون ازدواج کرد. فیلیپ گروهبان ذخیره ارتش بود. زمانی که شکیل چهارساله شد، یک سر و گردن از بچه‌های هم‌سن خود بلندتر بود. وقتی لوسییل با پسر خود بیرون می‌رفت، باید مراقب می‌بود که مردم با او مانند یک کودک نوپا رفتار نکنند، نه یک نوجوان بزرگ‌تر.



فیلیپ هریسون

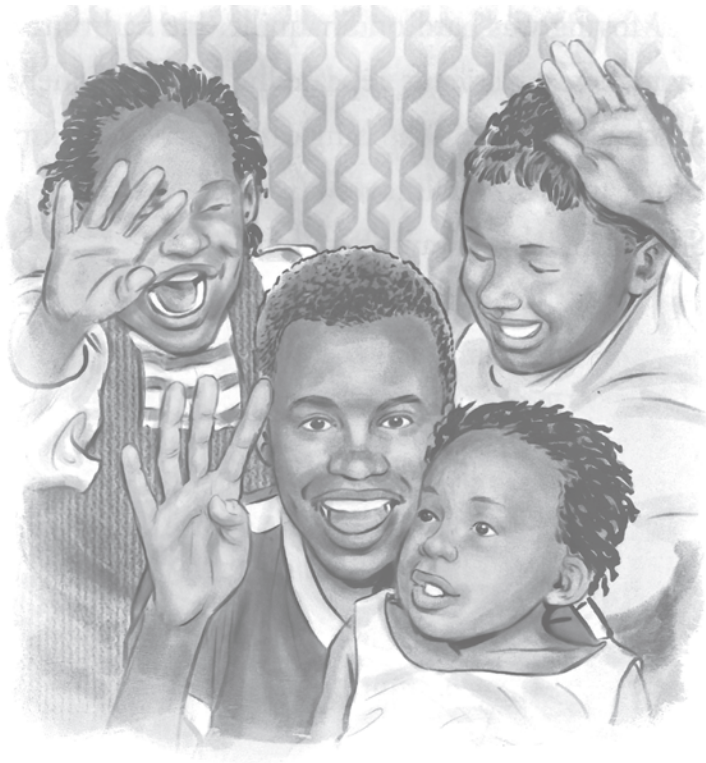
به دلیل شغل فیلیپ در ارتش، شکیل و خانواده‌اش مرتب از یک شهر به شهر دیگر می‌رفتند. (خانواده‌های ارتشی، به طور متوسط هر سه سال یک بار تغییر مکان می‌دادند، زیرا بعضی از اعضای ارتش نیازمند آموزش‌های جدید بودند و بعضی دیگر درجه بالاتری می‌گرفتند و موقعیت شغلی آن‌ها تغییر می‌کرد.) وقتی شکیل پنج‌ساله شد، خانواده او از نیوآرک به بیون، در ایالت نیوجرسی، نقل مکان کرد. شکیل کلاس سوم بود که بار دیگر خانواده او به فورت مانمت در ایتون‌تاون، نیوجرسی، منتقل شد. این جابه‌جایی‌ها برای شکیل سخت بود. مجبور می‌شد مرتب

دوستان تازه پیدا کند. بیشتر وقت‌ها تنها بود. تماشای کارتون به او کمک می‌کرد تا خود را با هر جابه‌جایی جدید تطبیق دهد. شخصیت مورد علاقه او، سوپرمن، همیشه در تلویزیون برایش آماده بود. در این دوران، لوسی و فیلیپ صاحب سه فرزند، دو دختر به نام‌های لطیفه و عایشه و یک پسر به نام جمال شدند. شکیل برادر مسن‌تر و بزرگ‌تری بود که همیشه از آن‌ها مراقبت می‌کرد. شکیل زمانی گفت: «مادرم به من یاد داده بود که چگونه پوشک



آن‌ها را عوض کنم، به بدنشان پودر بزنم و هر کار لازم دیگر را انجام  
دهم.»

تربیت نظامی فیلیپ باعث شده بود در مورد بچه‌ها، به‌ویژه  
شکیل، سخت‌گیری کند. گاهی شکیل در مدرسه خرابکاری می‌کرد



تا دوستان جدیدش را تحت تأثیر قرار دهد. ناپدریش به مدرسه احضار می‌شد تا به پسرش یادآوری کند که حواسش را جمع کند و مراقب رفتارش باشد. هر وقت شکیل کار نادرستی انجام می‌داد، فیلیپ او را تنبیه می‌کرد تا دوباره آن کار را تکرار نکند.

بچه‌ها شکیل را به خاطر قد بسیار بلندش مسخره می‌کردند. آن‌ها او را با لقب‌هایی مثل شکیل گوریل یا پاگنده صدا می‌زدند. آن‌ها می‌گفتند که احتمالاً کودن و عقب افتاده است، زیرا از بقیه خیلی بزرگ‌تر بود. شکیل به علت همین حرف‌ها و آزارها با بقیه کتک‌کاری می‌کرد.

شکیل زمانی گفت: «پدر و مادرم به من می‌گفتند که باید به این ویژگی [بزرگ بودن] افتخار کنم، اما افتخار نمی‌کردم. دلم می‌خواست یک آدم معمولی مثل بقیه باشم.»

تنها جایی که شکیل در آن احساس راحتی می‌کرد باشگاه محلی شهری بود که خانواده‌اش در آن زندگی می‌کردند. او هر روز بعد از مدرسه به باشگاه می‌رفت و زمانی به خانه برمی‌گشت که پدر و مادرش از سر کار آمده بودند. شکیل با رفتن به باشگاه اوقات فراغت خود را پر می‌کرد. به علاوه، باعث می‌شد از دردسر دور بماند. شکیل تکلیف‌های مدرسه‌اش را انجام می‌داد، بازی می‌کرد و وقتش را با انجام ورزش‌های مختلف، از جمله بسکتبال، پر می‌کرد. شکیل هنوز بازیکن خوبی نشده بود. او فقط دوست داشت بازی کند.



شکیل در جایی گفت: «دست و پا چُلُفتی بودم و مهارتی نداشتم. در واقع به اندازهٔ جسمم رشد نکرده بودم. البته همه از من انتظار داشتند بهترین بازیکن باشم، زیرا خیلی بزرگ بودم. بخت با من یار بود که می‌توانستم به بقیه توضیح بدهم فقط بزرگی مطرح نیست.»

وقتی شکیل یازده ساله شد، قدش به ۱۹۰ سانتی متر رسید. قد پسرهای یازده ساله، به طور متوسط، تقریباً شصت سانتی متر کوتاه‌تر بود. شکیل دیگر نمی‌توانست در جشن هالووین به درِ خانه‌ها برود و با لباس مبدل و ماسک «قاشق‌زنی» کند؛ قد بلندش مانع می‌شد.

شکیل در این مورد گفت: «وقتی درِ خانهٔ مردم می‌رفتم، می‌ایستادند و با چشم‌هایی که از تعجب گرد شده بود می‌گفتند که از سن تو گذشته که «قاشق‌زنی» کنی، این طور نیست؟»

شکیل به کلاس پنجم رفت و اواسط سال تحصیلی، ناپدری او دوباره منتقل شد؛ این بار به فورت استوارت در هینزویل، واقع در ایالت جورجیا.

## باشگاه‌های آمریکا برای پسرها و دخترها

در ایالات متحده آمریکا، این باشگاه‌ها فعالیت‌های فوق‌برنامه برای کودکان ترتیب می‌دهند. باشگاه معمولاً در همان ساختمان مدرسه است؛ در باشگاه فعالیت‌هایی مانند فعالیت‌های ورزشی، فعالیت‌های کمک‌آموزشی و کمک به انجام تکلیف‌های مدرسه، روخوانی، نقاشی و صنایع دستی برگزار می‌شود و البته زمانی هم به کار با کامپیوتر اختصاص دارد.

سابقه فعالیت این باشگاه‌ها به بیش از صد سال قبل برمی‌گردد و هدف از تأسیس آن‌ها ایجاد محیطی امن، سرگرم‌کننده و مولد برای گذراندن اوقات پس از مدرسه بود. امروزه نزدیک به چهار میلیون کودک عضو ۴۳۰۰ باشگاه، در سرتاسر آمریکا، هستند.



شکیل و خانواده‌اش، پس از توقف کوتاهی در جورجیا، در سال ۱۹۸۴ به یک پایگاه نظامی در ویسبادن، واقع در آلمان، انتقال یافتند. شکیل در آن موقع نمی‌دانست، اما موقعیت او در بسکتبال داشت اوج می‌گرفت.